

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه مازندران

مصطفی باقریان جلودار* ، غلامرضا خوش فر**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۲۳

چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت، از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می‌رود. یکی از گروه‌های عمده جامعه که مشارکت آنان در روند اداره جامعه و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، دانشجویان می‌باشند. مشارکت سیاسی دانشجویان که بزرگ‌ترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و به ویژه ایران محسوب می‌شوند، با عنایت به این که مسئولان اداره جامعه در آینده بشمار می‌روند، اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. هدف این مقاله شناسایی رابطه میان دینداری با مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه مازندران می‌باشد. روش تحقیق از لحاظ جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، پیمایشی است. این مطالعه بر روی ۲۴۹ نفر از

bagheriyanmostafa@yahoo.com

gh.khoshfar@gu.ac.ir

* عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور.

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه گلستان. (نویسنده مسئول).

دانشجویان دانشگاه مازندران صورت گرفته و برای جمع‌آوری داده‌ها، از پرسشنامه استفاده شده که اعتبار آن، به روش صوری و پایایی آن، به کمک ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. با تقسیم دینداری به چهار متغیر (رفتارهای دینی، باورهای دینی، بعد پیامدی، بعد تجربی)، به همراه در نظر گرفتن پنج وجه از مشارکت سیاسی، مشاهده شد که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: دینداری، دانشجویان، مشارکت سیاسی، دانشگاه

مازندران.

مقدمه و طرح مسئله

مشارکت به‌عنوان یکی از رهیافت‌های نوین در مباحث توسعه مطرح است و صاحب‌نظران مباحث توسعه پس از تجربه چند دهه برنامه‌های توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و بادوام، همان جلب مشارکت مردم در فرایند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا و همچنین باصرفه‌ترین و پایدارترین است (وثوقی و هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). مشارکت در زندگی تا بدان اندازه اهمیت دارد که ارسطو آن را محور زندگی سیاسی قرار داده است و شهروند را کسی می‌داند که از حق مشارکت در امور قضایی و شورایی برخوردار است (اسکاف، ۲۰۰۸). از نشانه‌های توسعه یک جامعه میزان پیشرفت آن در امور سیاسی و در واقع وجود روابط قدرت به شکلی متعادل در آن جامعه می‌باشد. این امر میسر نمی‌شود مگر از تعامل مثبت و سازنده میان افراد جامعه با گروه حاکم و حضور و مشارکت مثبت افراد در فرایندهای سیاسی و روابط قدرت. مشارکت فرایندی است که دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت

خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. مشارکت اگرچه به معنای عام آن از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته، اما به معنای جدید از عرصه سیاست پس از جنگ جهانی اول آغاز شده است. این نوع مشارکت در برخی از کشورهای صنعتی جهان (به‌ویژه آن‌هایی که در جنگ شکست‌خورده بودند) در قلمرو اقتصادی و سیاسی آغاز شده است، تا مردم را در مالکیت شریک سازد و پایه‌های پایدار و مداومی را برای صنعت و اقتصاد فراهم سازد (شادی طلب، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

بنابراین می‌توان گفت بعد از جنگ جهانی دوم اهمیت بحث مشارکت سیاسی بیشتر شده و گروه‌ها سعی در کسب هویت سیاسی و پویایی سیاسی - اجتماعی دارند. مشارکت سیاسی فرایندی است که طی آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های جامعه توزیع می‌شود، به‌گونه‌ای که تمام شهروندان و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهارنظر و انتخاب کردن و رأی دادن بهره‌مند باشند. پاره‌ای از صاحب‌نظران نیز مشارکت سیاسی را درگیر شدن در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی می‌دانند (ملک لکان و نل، ۱۳۷۷: ۱۲۳). هر چه مردم در عرصه‌های مختلف زندگی فعال‌تر باشند و به‌خصوص در عرصه سیاسی مشارکت بیشتری داشته باشند نظام سیاسی جامعه مشروعیت بیشتری می‌یابد. مشارکت در کشور ما، پدیده تازه‌ای نیست و مردم این سرزمین همواره در امور خود از مشارکت با یکدیگر در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی غفلت نورزیده‌اند. اما با رشد شهرنشینی و به‌تبع آن تغییر الگوی مشارکت، لزوم بازبینی در این مفهوم و ارائه الگوهای متناسب با نیازهای امروزی شهروندان احساس گردید. توجه دولت به مشارکت، فزونی آگاهی سیاسی مردم نسبت به این امر و تلاش در جهت ایجاد جامعه مدنی گواه این مدعا است. با گسترش معنای مشارکت و راه یافتن آن به تمام

عرصه‌های زندگی، امروز سخن از شرایطی است که همه مردم در تعیین سرنوشت خویش دخالت آگاهانه و واقعی پیدا کنند.

از این رو ملاحظه می‌شود که توجه به ابعاد مختلف موضوع مشارکت سیاسی و به خصوص انجام پژوهش‌های کاربردی در کشور می‌تواند زمینه را برای پیشبرد امر مشارکت سیاسی مردم و برطرف کردن نواقص موجود در این باره و نیز آگاهی بخشی به مردم نسبت به مسئولیت ملی‌شان ایفاء کند. یکی از گروه‌های عمده جامعه که شرکت آنها در روند اداره جامعه و توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد، دانشجویان هستند. مشارکت سیاسی جوانان که بزرگ‌ترین گروه جمعیتی در کشورهای در حال توسعه و مسئولان اداره جامعه در آینده محسوب می‌شوند، اهمیت خاصی برای ثبات سیاسی و پویایی جامعه دارد. بی‌شک دانشجویان یکی از اقشار اجتماعی هستند که به اقتضای عوامل مختلفی همچون جوان بودن، تحرک، استقلال‌خواهی، نوجویی، و در مشارکت سیاسی آرمان‌گرایی در فعالیت سیاسی، انگیزه بالایی برای درگیری دارند. دانشجویان در صورت وجود مجاری مناسب برای بیان دیدگاه‌ها و خواسته‌های سیاسی خود اصولاً نقش مؤثری در سلامت و ثبات سیاسی جامعه ایفا می‌کنند و در مواردی که به هر دلیلی احساس تعلق خود به نظام سیاسی حاکم و روندهای سیاسی جاری را از دست دهند و احساس بیگانگی کنند، می‌توانند به عامل بی‌ثباتی در جامعه تبدیل شوند. مشارکت سیاسی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مطالبات دانشجویی کشور است و نظام اسلامی نیز همواره بر ضرورت فعالیت سیاسی دانشجویان و مشارکت فعال و مثبت آنان در مباحث سیاسی تأکید دارد. دانشجویان و توجه هر چه بیشتر به عوامل اجتماعی که به مشارکت سیاسی این قشر کمک می‌کند، امری ضروری است. یکی از این عوامل اجتماعی تأثیرگذار در فرایند جامعه‌پذیری، باورهای مذهبی افراد است. با توجه به مطالبی که گفته شد هدف اصلی این مقاله شناسایی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان استان

مازندران و رابطه آن با دینداری است. بنابراین سؤال اساسی این است که، آیا بین دینداری و ابعاد آن با مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

مروری بر پیشینه خارجی موضوع تحقیق نشان می‌دهد که متخصصان مختلفی به موضوع رابطه بین دینداری با مشارکت سیاسی پرداخته‌اند که در این قسمت به بررسی تعدادی از آن‌ها که ارتباط وثیق‌تری با موضوع دارند پرداخته می‌شود. گات و همکاران (۲۰۰۸) رابطه بین مذهب و مشارکت سیاسی را در بین گروه‌های مذهبی در آمریکا مورد مطالعه قرار دادند. یافته‌های این پژوهش نشان داده که در میزان مشارکت سیاسی (شرکت در رأی‌گیری) در میان گروه‌های مذهبی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. شرکت‌کنندگان یهودی به نسبت مسیحیان بیشتر در فعالیت‌های سیاسی مشارکت دارند. در میان مسیحیان نیز گروه‌های میانه‌رو و نوگرا به نسبت گروه‌های سکولار و غیرمذهبی مشارکت سیاسی بیشتری داشته‌اند. همچنین فرقه‌های کاتولیک، مدرنیست و میانه‌رو بیشتر از دیگر فرقه‌ها در انزوای سیاسی هستند. کوتلر و برکویتز (۲۰۰۸) در پژوهش خود با نام «دین و رفتار انتخاباتی در بریتانیای کبیر» نشان داده‌اند افرادی که رفتار مذهبی شدیدتر و یا بیشتری از خود بروز می‌دهند به حزب لیبرال دموکرات رأی می‌دهند تا احزاب محافظه‌کار و در مقابل، افرادی که از اعتقادات مذهبی قوی‌تری برخوردارند از احزاب محافظه‌کار حمایت می‌کنند تا لیبرال دموکرات. ویلیامز (۲۰۰۹) در رساله دکتری خود با عنوان تجربه مذهبی و مشارکت سیاسی سیاه‌پوستان آمریکایی در یک ساختار شهری به این نتیجه رسیده است که بین میزان حضور در کلیسا به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دینداری و میزان مشارکت در انتخابات رابطه مثبت وجود دارد. آل. اپلی (۲۰۰۹) در تحقیقی به رابطه مذهب با جامعه مدنی و سیاست در ادیان رسمی بودیسم، کاتولیک، مسیحیت، هندو و اسلام در نمونه‌ای به حجم ۹۳۶ نفر در اندونزی پرداخته است. وی به یک روحیه مذهبی که

سبب ایجاد مسئولیت در امور سیاسی می‌شود، اشاره می‌کند که موجب فعال شدن افراد مذهبی در امور اجتماعی و سیاسی می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که آداب و رسوم و اعتقادات اسلام در میان دیگر ادیان این منطقه تأثیرات فرهنگی و مذهبی و سیاسی متفاوتی گذاشته است. کیم (۲۰۱۱) در رساله دکتری خود با عنوان دین و گرایش‌های سیاسی در کره جنوبی نشان داده است افرادی که دارای اعتقادات مذهبی بیشتری هستند گرایش سیاسی محافظه‌کارتری نسبت به افرادی با اعتقادات ضعیف‌تر دارند؛ اما بین رفتار دینی و گرایش سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشده است. سکرِت و همکارانش (۲۰۱۰) در پژوهشی با نام «اثر دینداری بر مشارکت سیاسی و عضویت در انجمن‌های اختیاری در بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان» و مکالوسو و وانات (۲۰۰۹) در تحقیق خود با نام «مشارکت انتخاباتی و دینداری به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان دینداری و میزان کلیسا رفتن و میزان مشارکت رأی‌دهی رابطه قوی و مثبتی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که افرادی که دیندارتر هستند نسبت به افرادی که دارای دینداری سطح پایین هستند مشارکت سیاسی بیشتری دارند، افرادی که دینداری سطح بالا دارند بیشتر در انتخابات مشارکت می‌کنند. شوب (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «مذهب و مشارکت سیاسی در دوره پس از جنگ‌های دهقانی در ژاپن» به بررسی رابطه مذهب و میزان مشارکت سیاسی ایالت کوموتانی ژاپن پرداخت. وی در این تحقیق با استفاده از یک نمونه ۹۲۸ نفری که آن‌ها را به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب کرده بود، نشان داد که از بین کل پاسخگویان ۷۱ درصد کسانی که دارای عقاید و علاقه مذهبی بودند گرایش خاصی نسبت به عضویت در برخی از احزاب سیاسی و انجام مشارکت در امور سیاسی داشتند. همچنین داشتن ترجیح مذهبی، رابطه مثبتی با ترجیح حزب محافظه‌کار دارد و عکس آن یعنی عدم ترجیح مذهبی با ترجیح غیر محافظه‌کارانه رابطه دارد.

جونز و مور^۱ (۲۰۱۲) معتقدند که مشارکت سیاسی تجسم رفتاری- ساختاری از سرمایه اجتماعی است که می‌تواند روند توسعه یکپارچگی اجتماعی را تسهیل کند. این کارکرد سبب شده است تا چاولا و هفت (۲۰۱۴) توصیه کنند که محیط سیاسی باید مشارکت را تشویق و به افراد فرصت پرورش دادن توانایی‌های خود را بدهد. اونیل (۲۰۱۲) در مطالعه خویش با عنوان: «جنسیت، مذهب، سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی» بر تعهد گرایی مذهبی به عنوان یک عنصر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی میان زنان در امریکا تأکید می‌کند. وی همچنین به دنبال بررسی رابطه میان مشارکت زنان در سازمان‌های مذهبی و ایجاد سرمایه اجتماعی است. نتایج این مطالعه حاکی از وجود ارتباط میان عقاید و فعالیت‌های مذهبی با رفتارهای سیاسی است. وی همچنین بیان می‌کند که احتمال بیشتری وجود دارد که زنان به فعالیت‌های مذهبی به‌طور منظم‌تری نسبت به مردان توجه کنند. تعهد مذهبی برای زنان فرصت‌هایی برای در اختیار گرفتن دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را فراهم کرده و همچنین دامنه مهارت‌های اجتماعی زنان را نیز گسترش می‌دهد. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد تعهد مذهبی زنان می‌تواند به توسعه و افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی کمک کند. ماجر و نواک^۲ (۲۰۱۲) معتقدند در این فرآیند، جوانان فرصت تجربه دموکراسی و توسعه دانش، مهارت و نگرش را به دست می‌آورند و این تجربه آن‌ها را قادر می‌کند به شهروندانی مطلع، مسئول و مشارکتی تبدیل شوند. اوبرادویچ و ماستن^۳ (۲۰۱۳) عنوان کرده‌اند که افزایش مشارکت فعال جوانان می‌تواند پیامدهای بلندمدتی برای مشارکت اجتماعی داشته باشد و ورود به فعالیت‌های مشارکتی در دوره نوجوانی و جوانی، می‌تواند علاقه‌مندی به مشارکت مدنی در بزرگسالی را پیش‌بینی کند. جمنا و کارلرو (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر

1. Legh-Jones & Moore
2. Mager & Nowak
3. Obradovic & Masten

روی گروهی از دانشجویان دانشگاه Al. I. Cuza رومانی نشان دادند که میزان رأی دادن در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی بوده است که هرگز مشارکت سیاسی نداشته‌اند. هافمن و دود (۲۰۱۴) ضمن تحقیقی با عنوان «مذهب، جنسیت و مشارکت سیاسی در آفریقا» که در زمینه بررسی ارتباط نگرش مذهبی (اسلام و مسیحیت) با میزان مشارکت سیاسی سه کشور نیجریه، اوگاندا و سنگال به عمل آوردند، با نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی از نظر شناخت سیاسی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنش سیاسی این افراد دارد. یافته‌ها نشان داد عقاید مذهبی تأثیرات مثبتی روی مشارکت سیاسی افراد می‌گذارد. همچنین این تحقیق نشان داد که زنان مذهبی‌تر از مردان هستند و همچنین طبق یافته‌ها، هر دو دین اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت در امور اجتماعی فرامی‌خوانند، اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است.

سید امامی (۲۰۰۷) شکل‌گیری علاقه‌مندی به مشارکت را تا اندازه زیادی در سنین پایین می‌داند. علاقه‌مندی جوانان به رفتارهای مشارکتی، حاصل نوع و کیفیت هنجارها و منابع اجتماعی در دسترس جوانان و میزان ارتباط و تعهد آنان به این منابع، با عنوان سرمایه اجتماعی است که تشکر و معینسی (۲۰۰۲) آن را به‌عنوان ذخیره و منبعی سودمند، سبب تسهیل کنش‌های کنشگران ذکر کرده‌اند. کاهن و اسپرت^۱ (۲۰۰۸) اواخر نوجوانی را یک دوره مهم و حیاتی برای توسعه جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی ذکر کرده‌اند.

بررسی پیشینه داخلی نشان داد که مطالعات متعددی به موضوع این پژوهش پرداخته‌اند که خلاصه تعدادی از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده موردنقد و بررسی

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۱۸۳

قرار می‌گیرند. سنجش دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن (دانش‌آموزان سال سوم و پیش‌دانشگاهی شیراز)» عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدصادق است که در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید بهشتی انجام پذیرفته است. در این تحقیق دینداری جوانان مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از تحقیق، سنجش میزان دینداری جوانان و عوامل مؤثر بر آن بوده است. برای سنجش دینداری از الگوی گلاک و استارک استفاده شده است که دینداری را شامل ۴ بعد اعتقادی، تجربی، پیامدی و مناسکی تعریف کرده‌اند. در این بررسی، نقش عوامل جامعه‌پذیری مانند: خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط‌جمعی بر دینداری جوانان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین عوامل دیگری نظیر عملکرد روحانیت، عام‌گرایی و پایگاه اجتماعی در رابطه با دینداری قرارداد شده‌اند. جامعه آماری تحقیق دانش‌آموزان سال سوم و پیش‌دانشگاهی شهر شیراز بوده و حجم نمونه از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای، نمونه‌گیری تصادفی ساده و نمونه‌گیری سهمیه‌ای انتخاب شده است. سرانجام، ۲۱۱ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان از تأیید فرضیات محقق دارند. اگرچه در میان وسایل ارتباط‌جمعی، تنها ماهواره و اینترنت اثر معنی‌داری بر دینداری داشته‌اند. خانواده بیشترین تأثیر را بر دینداری جوانان نشان داده و بعد از آن، مدرسه، عام‌گرایی و روحانیت مهم‌ترین متغیرها در این رابطه محسوب شده‌اند.

سید امامی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان» به ارزیابی علمی قضاوت‌های مختلف در زمینه ابعاد سیاسی زندگی جوانان پرداخته و رفتار سیاسی آنان را مورد توصیف، تحلیل و تبیین قراردادده‌اند. هدف‌های این پژوهش شامل: الف) بررسی اشکال مختلف مشارکت سیاسی جوانان و نحوه تحولات آن؛ ب) سنجش ارزش‌ها، نگرش‌ها و دیدگاه‌های جوانان در خصوص مهم‌ترین مقولات سیاسی کشور، ج) ارائه گونه‌شناسی رفتار سیاسی جوانان، بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در تمامی خرده‌مقیاس‌های مورد استفاده برای سنجش ارزش‌های سیاسی جوانان، پاسخگویان وضعیت مناسبی از اعتقاد به

ارزش‌های سیاسی اصلی را از خود به نمایش گذاشته‌اند که با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان و والدین آنان از اعتقاد به ارزش‌های سیاسی کاسته می‌شود و نگرش آنان به سیاست داخلی و خارجی به سمت منفی شدن سوق می‌یابد. هرچند میزان اعتماد سیاسی جوانان در مجموع بالاست، اما نتایج پژوهش حاکی از اعتماد ضعیف پاسخگویان به برخی نهادهاست. در مجموع نگرش به دولت در سال مورد نظر مثبت‌تر از نگرش به قوای دیگر بوده است. احزاب و جریان‌های سیاسی علاوه بر کسب نمره پایین در خرده مقیاس اعتماد سیاسی در خرده مقیاس نگرشی نیز نمره پایین کسب کرده‌اند. با وجود درصد بالای اعلام شده در مورد عضویت در برخی نهادها، درصد مشارکت واقعی در فعالیت‌ها و یا انجام کار داوطلبانه برای این نهادها توسط جوانان عضو پایین است. این امر نشانه صوری بودن عضویت در بسیاری از موارد و نیز مشارکت منفعلانه در موارد دیگر است. مهم‌ترین موانع مشارکت سیاسی که از سوی جوانان اعلام شده عبارت‌اند از: ترجیحات فردی، دسترسی نداشتن به راه‌های مشارکت سیاسی و آگاهی نداشتن از نحوه مشارکت. بررسی مشارکت سیاسی جوانان نشان می‌دهد که در مشارکت انتخاباتی، اولاً با افزایش درجه اهمیت انتخابات میزان مشارکت بیشتر می‌شود، ثانیاً متوسط مشارکت برابر ۶۰ درصد است، ثالثاً در مشارکت حزبی، گرایش‌های حزبی جوانان پایین بوده به طوری که بیش از ۷۰ درصد پاسخگویان هیچ‌گاه برای ستاد انتخاباتی یک نامزد انتخاباتی فعالیت نکرده‌اند و یا تلاشی برای قانع ساختن دیگران جهت رأی دادن به کاندیدای یک جناح یا یک حزب خاص نداشته‌اند. در مورد سایر اشکال مشارکت سیاسی ۸۳ درصد پاسخگویان هیچ‌گاه در یک سخنرانی سیاسی شرکت نداشته و ۸۷ درصد اظهار داشته‌اند که اقدام به برگزاری گرد هم‌آیی سیاسی نکرده‌اند. بالاترین میزان مشارکت سیاسی در تظاهرات رسمی صورت گرفته است. رضی (۱۳۷۴) نیز طی پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی» به تحلیل رفتار سیاسی مردم پرداخته و معتقد است که روند رفتار مردم دارای فراز و نشیب بوده

است و متغیرهای اجتماعی از قبیل مذهب، شهرنشینی تعداد جمعیت شهری و... در آن نقش مؤثر داشته‌اند، به نحوی که تورم، بیکاری و شهرنشینی تأثیرات منفی، سواد و جنسیت بیشترین تأثیر مثبت را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند.

مبانی نظری

میلبراث و گوئل در تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل عمده نام می‌برند. این عوامل عبارت‌اند از: محرک (انگیزه سیاسی)، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی، محیط سیاسی، مهارت، منابع و تعهد. منظور از محرک سیاسی عواملی از قبیل مناظره‌های سیاسی، تعلق خاطر نسبت به یک سازمان درگیر فعالیت‌های سیاسی و دسترسی به اطلاعات درست می‌باشد. منظور از ویژگی‌های شخصیتی عبارت است از خصوصیات چون اجتماعی بودن، برون‌گرایی و نظایر این‌ها. افرادی با خصوصیات یاد شده بیشتر خود را درگیر مسائل سیاسی می‌کنند. پایگاه اجتماعی با شاخص‌هایی چون میزان تحصیلات، موقعیت محل سکونت، تعلق طبقاتی و قومیت سنجیده می‌شود. محیط سیاسی عبارت است از محیطی که افراد در آن به سر می‌برند. به‌عنوان مثال فرهنگ سیاسی معینی می‌تواند او را نسبت به مشارکت در مسائل سیاسی تشویق کرده و یا بازدارد. منظور از مهارت، توانایی تحلیل قدرت سازماندهی، مهارت در سخنرانی‌ها و خطابه می‌باشد. منظور از منابع اشاره به منابع مالی غیر نقدی است که می‌تواند در قالب تماس‌ها و روابط افراد با دولتمردان و دبیران احزاب باشد. منظور از تعهد، تعلق خاطر نسبت به یک سازمان، گروه، حزب و یا فرد خاصی است که این پیوند و دلبستگی نسبت به موارد یاد شده، بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. برای مثال هر چه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست، تعلق به سازمانی که به شکلی به فعالیت سیاسی می‌پردازد یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوط قرار داشته باشد، احتمال مشارکت سیاسی‌اش بیشتر است. اما مشارکت سیاسی بر طبق ویژگی‌های شخصی فرد نیز فرق می‌کند. شخصیت‌های اجتماعی‌تر،

مسلط‌تر و برون‌گراتر، بیشتر احتمال دارد که از نظر سیاسی فعال باشند (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۸).

مکتب جامعه‌پذیری سیاسی

از مهم‌ترین آثار جامعه‌پذیری سیاسی این است که در رفتارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی اعم از رأی دادن، حمایت از احزاب سیاسی، شرکت در راه‌پیمایی‌های سیاسی، مبارزات انتخاباتی، تبلیغات سیاسی، شرکت در مجامع منفی و جز آن مشاهده می‌شود (قوام، ۱۳۷۴: ۷۸). در مورد جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن سه نگرش وجود دارد: ۱- نگرش انسان‌شناسانه، ۲ ° نگرش روان‌شناسانه ۳ - نگرش جامعه‌شناسی سیاسی. در اینجا تنها به دیدگاه برخی صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی اشاره می‌شود.

دیدگاه لوسین پای^۱

پای برای جامعه‌پذیری به سه مرحله معتقد است: ۱- فرایند جامعه‌پذیری پایه که در این مرحله کودک با فرهنگ جامعه آشنا می‌شود و هویت خود را پیدا می‌کند. ۲ - جامعه‌پذیری سیاسی که به واسطه آن فرد نسبت به جهان سیاسی خودآگاهی یافته، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آن‌ها را کسب می‌کند. در این مرحله فرهنگ سیاسی جامعه را در خود درونی می‌کند. ۳- فرایند گمارش سیاسی، یعنی زمانی که فرد در ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده‌گر حرکت نموده و به یک شهروند مشارکت‌کننده فعال تبدیل می‌شود.

دیدگاه آلموند^۱

یکی از راه‌هایی که نظام به حمایت از خود و حفظ خود می‌پردازد از طریق جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشد، زیرا هر نظام سیاسی که به دنبال بقای خود باشد؛ بایستی در میان اعضای خود انتظارات حمایتی را رشد دهد. به همین لحاظ به اعتقاد آلموند فرایند جامعه‌پذیری سیاسی اساساً تعیین‌کننده ثبات فرهنگ سیاسی و ساختار جامعه در گذر زمان می‌باشد. از نظر آلموند جامعه‌پذیری سیاسی هرگز واقعاً پایان نمی‌پذیرد و در سراسر زندگی فرد ادامه می‌یابد.

دیدگاه هس^۲ و تورنی^۳

از جمله افرادی که جامعه‌پذیری سیاسی را از زاویه یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها مدنظر قرارداد؛ هس و تورنی بودند. تورنی در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تمایلات و آمادگی‌های روانی لازم برای یادگیری سیاسی تا سنین ۱۳^۰ تا ۱۲ سالگی به‌خوبی در افراد تثبیت می‌شود. آن‌ها چهار مدل برای جامعه‌پذیری سیاسی ارائه دادند: مدل انباشت، مدل همانندی، انتقال نقش و مدل شناختی- رشدی. این چهار مدل بیانگر فرایندهایی است که در شرایط خانواده، محیط مدرسه و به‌طور کلی جامعه بر اکتساب دانش سیاسی و نگرش مدنی افراد تأثیر می‌گذارند (اختر شهر، ۱۳۸۶: ۷۲-۸۰).

الگوی دینداری گلاک و استارک

چارلز گلاک طی دهه ۵۰-۶۰ میلادی در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا بود. وی بحث ابعاد التزام دینی را در این کشور زنده کرد و با همکاری رادنی استارک در سال ۱۹۵۶ به شرح و بسط الگوی جدیدی از دینداران پرداخت. هدف اصلی آن‌ها،

-
1. Almond
 2. Hess
 3. Torney

عموماً درک شیوه‌های گوناگونی بود که مردم با توسل به آن، خود را مذهبی تلقی می‌کردند. گلاک و استارک بر این عقیده بودند که به‌رغم آنکه ادیان جهانی در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، اما دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها و یا آن ابعاد جلوه‌گر می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸: ۲۷).

آن‌ها برای دینداری چهار بُعد اصلی عمل، باور، تجربه، دانش یا معرفت را با عنوان ابعاد عمومی الزام دینی مطرح کرده‌اند. این ابعاد چهارگانه، در سطح مقیاس‌های اولیه به پنج شاخص یا مقیاس تقسیم شده‌اند که افزایش آن، ناشی از تفکیک بعد عمل به دو بخش شاخص مناسکی و عبادی است. در مقیاس ثانویه، شاخص‌ها در نهایت به هشت مورد افزایش یافته‌اند که شاخص‌های ناظر بر روابط اجتماعی دینداران هم به آن اضافه شده است (گنجی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). در زیر شرحی از الگوی دینداری موردنظر آن‌ها آورده می‌شود.

بُعد باور: آن چیزی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین بدان اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین به سه نوع تقسیم کرده‌اند: باورهای پایه‌ای مسلم، که ناظر بر شهادت به وجود خدا و معرفی ذات و صفات اوست. باورهای غایت‌گرا، که هدف و خواست خدا از خلقت انسان و نقش او در راه نیل به این هدف است. باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آن‌ها توجه کند، را در برمی‌گیرد. گلاک و استارک بُعد باور یا عقیدتی را بُعد ایدئولوژیکی نیز نامیده‌اند.

بُعد مناسکی (عمل): نظام اعتقادی در هر دینی وجود دارد، اما این اعتقادات به‌صورت مناسک نمود عینی می‌یابند. تمام ادیان بنا بر اقتضای نوع الهیات خود، نحوه خاصی از عمل و زیست را بر مؤمن الزام می‌کنند که همان عمل دینی است. این عمل خواه‌ناخواه، در پرتو نظام فقهی و اخلاقی سامان می‌پذیرد. بُعد عمل یا مناسک، اعمال دینی مشخصی نظیر عبادت‌های فردی، نماز، روزه، صدقه، ذکات و ... را در برمی‌گیرد. گلاک و استارک در تشریح بعد مناسکی بر این نکته تأکید کرده‌اند که در عملیاتی کردن

این بُعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی می‌شود (آرون، ۱۳۸۶: ۴۰۵).

بُعد تجربی: تجربه دینی با احساسات، تجربیات و درون فرد دیندار مرتبط است. احساسات و عواطف دینی وجه عالی‌تری از دینداری است که کاملاً قلبی و درونی بوده و برخلاف مناسک و مراسم آیینی، نمود بیرونی ندارد. دیندارانی که این بعد را کسب می‌کنند "مخلص" نامیده می‌شوند.

گلاک و استارک تجربه دینی را چندین نوع می‌دانند: تأییدی: حس مؤدت و تأیید به وجود خدا؛ ترغیبی: گزینش آگاهانه خدا و اشتیاق به او؛ شیدایی: حس صمیمیت و شور و وجد نسبت به خدا؛ و حیانی: مورد اعتماد خدا واقع شدن و کارگزار و فرستاده خدا بودن (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۲۵).

بُعد دانشی: بعد معرفتی، عقلانی یا دانش با بعد عقیدتی بسیار نزدیک است. تفاوت این دو بعد مربوط به آگاهی و شناخت در اعتقادات در بعد دانش است. معرفت دینی، آگاهی به متون دینی است که می‌تواند الگویی برای باور، عمل و تجربه دینی باشد. از نظر گلاک و استارک، بعد معرفتی در ارتباط با مطالبی است که مردم از طریق عالمان دینی درباره مذهب می‌آموزند.

بُعد پیامدی: این بعد، به دلیل بیشترین انتقادات، در میان ابعاد الگوی دینداری گلاک و استارک پس از مدتی حذف شد، از جمله این که، بعد پیامدی فی‌نفسه پیامد دینداری است نه بعدی از آن. بعد پیامدی دینداری، که با این انتقاد از الگوی دینداری کنار گذاشته شد، به اعمالی گفته می‌شود که از عقاید، احساسات و اعمال مذهبی ریشه می‌گیرد و از ثمرات و نتایج ایمان در زندگی و کنش‌های بشر است. از نظر این دو محقق، بعد پیامدی جدا از سایر ابعاد قابل‌بررسی نیست. رفتارهای دینی می‌توانند در معنای پیامدی، سنجه‌ای از دینداری باشند که منجر به استواری ایمان مذهبی می‌شوند. آنجا که منجر شود تا از باور، اعمال، تجربه و دانش دینی پیروی شود (مهدی زاده،

۱۳۸۵: ۴۳). الگوی دینداری گلاک و استارک، از نخستین الگوهایی است که بسیاری از الگوهای دینداری بعدی، ابعاد خود را از آن وام گرفته‌اند.

نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت

رونالد اینگلهارت در دهه هشتاد این ایده را مطرح کرد که در جوامع صنعتی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی اساسی هستیم؛ به این صورت که گرایش نسبت به ارزش‌های فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش‌های فرامادی اولویت بیشتری می‌دهند. وی به تغییر و تحول ارزشی در طی فرآیند جایگزینی نسلی پرداخته است. به اعتقاد وی اولویت ارزشی فرد، تحت تأثیر محیط اجتماعی - اقتصادی که وی در طول سال‌های پیش از بلوغ در آن به سر می‌برده، شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیطی، اولویت‌های ارزشی نسل جوان با نسل قبل متفاوت خواهد شد.

اینگلهارت در کار خود حضور مجموعه‌ای از تغییرات در سطح نظام را عامل تغییرات در سطح فردی و به همین ترتیب پیامدهایی برای نظام می‌داند. وی تغییرات در سطح سیستم را توسعه اقتصادی و فناوری، ارضای نیازهای طبیعی به نسبت وسیعی از جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، تجارب متفاوت گروه‌های سنی مثل فقدان جنگ و گسترش ارتباطات جمعی، نفوذ رسانه‌های جمعی و افزایش تحرک جغرافیایی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۵).

چارچوب نظری

برای تبیین مشارکت سیاسی و اصولاً هرگونه رفتار سیاسی در کلی‌ترین سطح دو دیدگاه رقیب وجود دارد: انتخاب عاقلانه و مکتب جامعه‌شناختی. در مکتب انتخاب عاقلانه که آنتونی داونز مهم‌ترین نظریه‌پرداز آن است، هرگونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگر است که به‌طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلف که در یک وضعیت خاص

پیش روی اوست، گزینه‌ای را انتخاب کند که به بهترین نحو اهداف او را تأمین می‌نماید. آنتونی داونز در چارچوب مکتب انتخاب عاقلانه تبیینی تئوریک از رفتار رأی‌دهی مردم ارائه داده است که می‌تواند به برخی انواع دیگر مشارکت سیاسی نیز قابل تعمیم باشد. هر رأی‌دهنده بالقوه بر اساس محاسبه عقلانی عمل می‌کند و در جریان مبارزه انتخاباتی با ارزیابی دولتی که بر سرکار بوده و مقایسه آن با ادعاها و برنامه‌های احزاب مخالف و با در نظر گرفتن منافع که انتظار می‌رود از پیروزی این یا آن حزب عاید شخص او شود دست به‌گزینش می‌زند. رأی‌دهندگان انتخاب‌کنندگان عاقلی‌اند که شرکت در انتخابات را وسیله‌ای برای تأمین منافع شخصی خود تلقی می‌کنند (سید امامی، ۱۳۸۶: ۶۳). اولسون^۱ معتقد است که نفع شخصی عقلانی فرد را وادار می‌کند که هزینه‌های مشارکت در گروه یا عمل جمعی را در مقابل منافع آن بسنجد. وی عقلانیت را عامل قوی برای مشارکت سیاسی می‌داند. داونز و اولسون هر دو بر عقلانیت در مشارکت سیاسی تأکید دارند (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۶).

در مکتب جامعه‌شناختی، عمل فردی و گروهی برگرفته شده از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه است؛ پس تحلیل مشارکت سیاسی در پرتو مطالعه عواملی چون شرایط دینداری افراد، فرهنگ سیاسی، سیستم‌های گروهی و سایر شرایط مربوط به محیط اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. یکی از نظریه‌های جامعه‌شناختی نظریه منابع^۲ است که در آن ادعا می‌شود برخی منابع اجتماعی و اقتصادی (از جمله تحصیلات، شغل، درآمد و دینداری) بر مشارکت سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند. دسترسی نابرابر افراد به این‌گونه منابع در شکل‌گیری سبک زندگی، شبکه‌های اجتماعی و انگیزه‌های افراد موثر است. بنابراین رفتار مشارکتی افراد را باید برحسب عضویت آنان در گروه‌های شغلی، تحصیلی و غیره توضیح داد. از منظر فرهنگی و سیاسی نیز در جوامعی که نظام ارزشی- اجتماعی آنان آمیختگی تنگاتنگی با آموزه‌های دینی داشته

1. Olson

2. Resources

باشد و دخالت در سیاست را از وظایف و تکالیف فردی و اجتماعی بداند؛ دانشجویان انگیزه بیشتر و جدی‌تری در قبال تحولات سیاسی داشته و بر ارتقای کمی و کیفی مشارکت سیاسی آنان به شدت تأثیرگذار است (سید امامی، ۱۳۸۶: ۶۵).

رابرت دال^۱ در توصیف مبانی رفتار سیاسی ملت‌ها به عقاید مذهبی و به‌ویژه عقاید فعالان سیاسی جامعه اعتقاد دارد. پرسش اساسی دال این است که عقاید دینی تا چه اندازه عمل سیاسی مردم یک جامعه را تعیین می‌نماید؟ وی عقیده دارد که برای فهم میزان تأثیر عقاید در رژیم‌ها ابتدا لازم است عوامل تعیین‌کننده عقاید سیاسی فعالان سیاسی جامعه بررسی شود. به نظر دال کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید و عمل سیاسی خود و دیگران را انکار نماید. وی در ادامه بحث خود سؤال مهم‌تری را مطرح می‌کند؛ اگر عقاید مردم در نظام سیاسی دخالت دارد و نوع رژیم آن جامعه را مشخص می‌کند، باید این پرسش را مطرح کرد که «عقاید چه کسانی بیشترین تأثیر را در نظام سیاسی یک جامعه دارد؟» تأکید دال بیشتر روی عقاید گروهی از مردم است که وی آن‌ها را به‌عنوان «فعالان سیاسی» معرفی می‌کند (فیرحی، ۱۳۷۷: ۵۹-۵۸). به نظر رابرت دال احتمال مشارکت سیاسی افراد وقتی افزایش می‌یابد که فرد ارزش زیادی به پاداش حاصله از مشارکت قائل باشد. فرد تصور کند که مشارکت سیاسی نتیجه‌بخش‌تر از سایر فعالیت‌هاست و مطمئن باشد که می‌تواند در تصمیمات سیاسی اثر بگذارد. فرد معتقد باشد که اگر او مشارکت نکند وضعیت چندان رضایت‌بخش نخواهد بود و تصور کند که دانش و مهارت کافی برای مشارکت در موضوع مربوط را دارد و موانع مهمی در پرداختن به فعالیت سیاسی موردنظر در پیش روی خود نبیند. او در کتاب دیگری این نظریه را با عنوان «اطمینان سیاسی»^۲ مورد بحث قرار داده و اظهار می‌کند: کسانی که اطمینان نسبی دارند به این که می‌توانند در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی اثر بگذارند، بیشتر احتمال می‌رود که در امور سیاسی مشارکت کنند تا کسانی که چنین احتمالی

1. Dahl

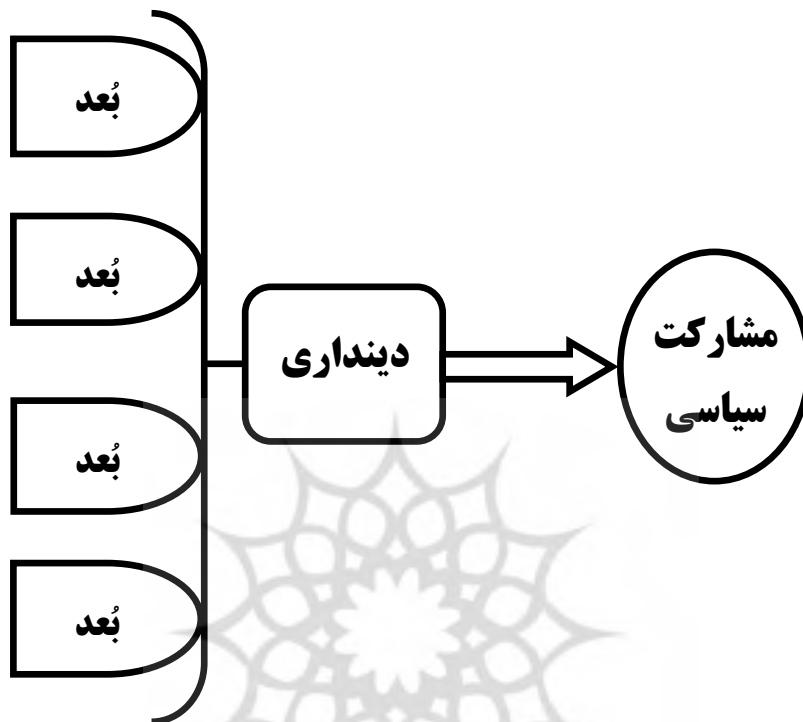
2. Political trust

نمی‌دهند. شهروندی که گرایش به این احساس دارد که افرادی مانند او در امور حکومت محلی حرفی برای گفتن ندارند یا که تنها راه اعلام نظر، دادن رأی است یا این که امور سیاسی و حکومتی به قدری پیچیده هستند که او نمی‌تواند بفهمد که چه می‌گذرد، یا این که مسئولان عمومی توجهی نمی‌کنند به آنچه او فکر می‌کند، در مقایسه با کسی که مخالف او فکر می‌کند احتمال خیلی کمی دارد که در امور سیاسی مشارکت کند (Dahl, 1974: 286-287 به نقل از خوش فر، ۱۳۸۷: ۴۷). بنابراین نظریه دال نیز به‌طور غیرمستقیم با اشاره به فرهنگ و نحوه جامعه‌پذیری، عواملی را در مشارکت سیاسی مؤثر می‌داند که به مفهوم ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و به‌طریق‌اولی به مفهوم دینداری و ابعاد آن نزدیک بوده و احتمالاً افراد دارای این‌گونه ویژگی‌ها از طریق دینداری و ابعاد آن نیز می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در سیاست، مشارکت بیشتری داشته باشند.

فرضیه‌ها

- ۱- بین دینداری با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین باورهای دینی (بُعد اعتقادی دینداری) با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین رفتارهای دینی (بُعد پیامدی دینداری) با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین عواطف دینی (بُعد تجربی دینداری) با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.
- ۵- بین اعمال دینی (بُعد مناسکی دینداری) با مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد.

مدل تحلیلی تحقیق



شکل ۱- مدل تحلیلی تحقیق

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی را کلیه دانشجویان دانشگاه مازندران در سال ۱۳۹۴ تشکیل می‌دادند. حجم نمونه این تحقیق بر اساس جدول مورگان و کرجسی ۲۴۹ نفر تعیین گردید. همچنین در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته است. برای تأمین اعتبار درونی تحقیق سعی شد متغیرهای ناخواسته کنترل شوند. برای تأمین اعتبار بیرونی تحقیق سعی گردید نسبت حجم نمونه به حجم جامعه مناسب باشد. برای بالا بردن قابلیت اعتماد

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۱۹۵

گویه‌های پرسشنامه نکات زیر رعایت شد؛ ۱- سؤال‌های پرسشنامه روشن، واضح و به‌دور از هرگونه ابهام طرح شدند، ۲- به‌جای شاخص‌های یک گویه‌های از شاخص‌های چند گویه‌ای استفاده شد، ۳- زمان انجام مصاحبه و پر کردن پرسشنامه وقت مناسب در نظر گرفته شد، ۴- سعی شد به یک سؤال واحد کدهای متفاوتی داده نشود. برای تأمین قابلیت اعتماد سؤال‌های پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برابر ۰/۸۵ شد.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها

دینداری: یعنی اهتمام داشتن "اهتمام دینی" به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶). به‌بیان دیگر اگر بخواهیم تعریفی از دینداری برگزینیم که بیشتر با مطالعه حاضر انطباق داشته باشد، می‌توان دینداری را "شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و جهان هستی در جهت قرب به خدا و التزام و عمل به وظایف دینی" تعریف کرد (خدا یاری فرد، ۱۳۸۵: ۱۳).

برای عملیاتی کردن دینداری در این مطالعه از الگوی اصلاح شده گلاک و استارک استفاده شد که شامل پنج بعد (باورها، مناسک، تجربه، دانش و پیامدها) است و برای کشور ایران در چهار بعد بومی‌سازی شده است. بعد اعتقادی باورهایی را در برمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدان‌ها اعتقاد داشته باشند. بعد مناسکی یا عمل دینی؛ اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و ... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به‌جا آورند، در برمی‌گیرد. بُعد تجربی یا عواطف دینی؛ در عواطف دینی، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه باوجودی هم چون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بعد، روشی را مطرح کرده‌اند که چهار نوع از جلوه‌های عواطفی دین شامل، توجه، شناخت، ایمان و ترس را در برمی‌گیرد. در بعد پیامدی دینداری نیز

چارچوب‌های رفتاری که یک فرد مسلمان ملزم به رعایت آن‌ها در زندگی روزمره است مورد توجه قرار گرفته است؛ مسائلی مانند: حجاب، پرهیز از مصرف مشروبات الکلی و مانند آن‌ها.

هم‌چنین جهت سنجش پایایی دینداری از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که خلاصه یافته‌های آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۱- آلفای کرونباخ پرسشنامه دینداری

مقدار آلفای کرونباخ	ابعاد دینداری
۰/۷۲۸	باورهای دینی (بُعد اعتقادی دینداری)
۰/۷۳۱	رفتارهای دینی (بُعد پیامدی دینداری)
۰/۷۴۳	عواطف دینی (بُعد تجربی دینداری)
۰/۷۵۳	اعمال دینی (بُعد مناسکی دینداری)
۰/۷۳۸	آلفای کل مفهوم دینداری

پرسشنامه محقق ساخته مشارکت سیاسی: برای سنجش مفهوم مشارکت سیاسی از پرسشنامه محقق ساخته با بهره‌گیری از مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد که دارای ۴۲ سؤال بود. پرسشنامه با استفاده از مدل‌های مشارکت سیاسی پترسون (۲۰۰۵) در آمریکای لاتین، وثوقی و هاشمی (۱۳۸۳) و موحد و دیگران (۱۳۸۷) ساخته شد. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا پرسش‌های متعددی به وسیله چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی طرح، و پس از بحث و بررسی تعداد ۴۲ سؤال انتخاب شد و پس از ویرایش و به‌منظور اطمینان بیشتر روی یک گروه ۴۰ نفری (۲۰ نفر پسر و ۲۰ دختر) به صورت آزمایشی اجرا شد. ضریب پایایی پرسشنامه پترسون بین ۰/۴۴ تا ۰/۶۹ متغیر بوده است. در این پژوهش نیز ضرایب پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۳ بوده

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۱۹۷

است. مطالعات درباره اعتبار آزمون بر اساس نمونه مشابه و محاسبه ضریب همسانی درونی نشان می‌دهد که این ابزار سنجش، از روایی و پایایی بالایی برخوردار است. به‌منظور افزایش دقت و صحت مطالعه و با توجه به شرایط جامعه، پرسشنامه مشارکت سیاسی به پنج بُعد تقسیم شد. این مقیاس ابزاری برای سنجش میزان مشارکت سیاسی افراد است که نمره‌گذاری هر سؤال بر روی یک پیوستار از (۱) کاملاً موافقم تا (۴) کاملاً مخالفم را در برمی‌گیرد و نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای ۳۰ نفر از پاسخگویان در جدول ۲ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۲- آلفای کرونباخ پرسشنامه مشارکت سیاسی

آلفا	مؤلفه‌ها
۰/۷۴۵	رأی‌دهی
۰/۷۲۴	فعالیت‌های انتخاباتی
۰/۷۵۰	تماس فرد با مقامات دولتی
۰/۷۳۳	اعتراض
۰/۷۲۷	عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌های رسمی
۰/۷۳۸	آلفای کل مشارکت سیاسی

یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در چند مقوله سازماندهی می‌شوند: ابتدا متغیرهای زمینه‌ای و ویژگی‌های نمونه‌های آماری بیان می‌گردد. سپس شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مفاهیم اصلی تحقیق و ابعاد آن ارائه می‌شود. و سرانجام نتیجه بکارگیری روش‌های آماری مربوط به آزمون فرضیه‌های تحقیق مورد تحلیل و تفسیر قرار می‌گیرد.

جدول ۳- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب متغیرهای جمعیت شناختی

درصد	فراوانی	گروه سنی	
۳۶/۶	۹۶	۲۳-۲۵	گروه سنی
۳۳/۳	۸۳	۳۶-۴۵	
۱۶/۵	۴۱	۴۶-۶۰	
۰/۸	۲	۶۰+	
۱۰/۸	۲۷	بی پاسخ	
۰/۱۰۰	۲۴۹	کل	
۹۰/۸	۲۲۶	مجرد	وضعیت تأهل
۶/۴	۱۶	متاهل	
۲/۸	۷	بی پاسخ	
۰/۱۰۰	۲۴۹	کل	

جدول ۴- آماره‌های توصیفی شاخص‌های دینداری دانشجویان

انحراف معیار	میانگین	شاخص‌ها
۵.۱۷	۲۶.۴۳	باورهای دینداری
۴.۵۸	۲۲.۵۴	رفتارهای دینی
۳.۲۴	۲۱.۳۵	بُعد تجربی دینداری
۶.۲۴	۲۲.۱۵	بُعد مناسکی
۵.۷۵	۱۵.۵۶	آلفای کل دینداری

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار بعد اعتقادی دینداری به ترتیب ۲۶.۴۳ و ۵.۱۷ به دست آمده است و میانگین بُعد عاطفی ۲۱.۳۵ با انحراف معیار ۴.۵۸ به دست آمده است. همچنین میانگین ابعاد پیامدی و مناسکی به

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۱۹۹

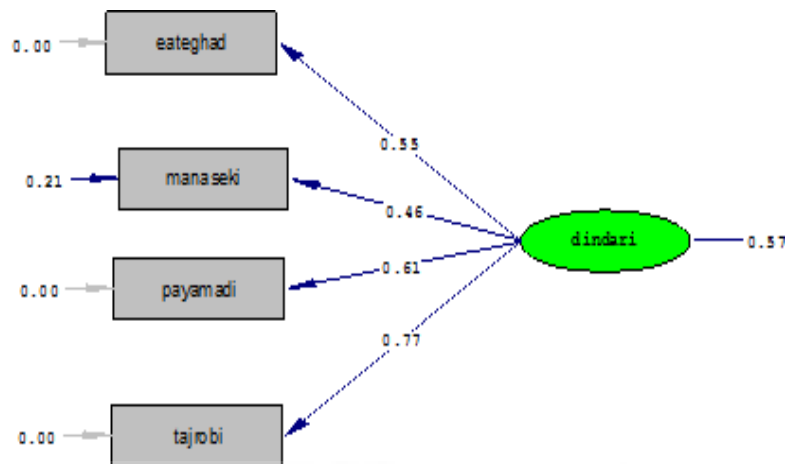
ترتیب برابر ۲۲.۵۴ و ۴.۵۸ با انحراف معیار ۲۱.۳۵ و ۳.۲۴ به دست آمده که بر این اساس میزان نمره بعد اعتقادی دینداری در میان افراد بیشتر از سایر ابعاد است.

جدول ۵- آماره‌های توصیفی شاخص‌های مشارکت سیاسی در بین دانشجویان

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار
رای‌دهی	۲۱.۶۷۳۱	۶.۲۶۲۴۴
فعالیت‌های انتخاباتی	۲۰.۵۹۴۲	۶.۹۶۵۶۳
تماس فرد با مقامات دولتی	۲۱.۰۸۴۳	۶.۳۷۰۹۹
اعتراض	۱۶.۳۳۳۳	۷.۳۰۶۸۳
عضویت فرد در گروه‌ها و سازمان‌های رسمی	۲۲.۴۹۸۸	۶.۳۸۵۳۴
مشارکت سیاسی	۲۰.۴۳	۶.۴۰

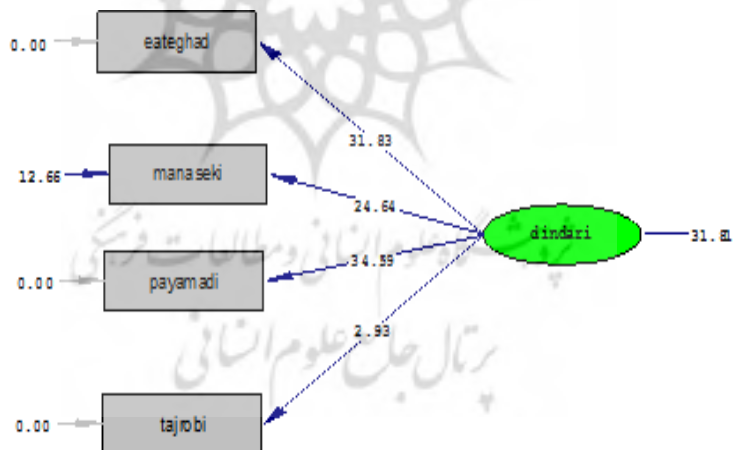
همان‌طور که اطلاعات جدول ۶ نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار بُعد رای‌دهی به ترتیب ۲۱.۶۷ و ۶.۲۶ به دست آمده است و میانگین بُعد فعالیت‌های انتخاباتی ۲۰.۵۹ با انحراف معیار ۶.۹۶ به دست آمده است، میانگین بُعد اعتراض ۱۶.۳۳ و انحراف معیار آن ۷.۳۰ به دست آمده همچنین میانگین ابعاد عضویت ۲۲.۴۹ و انحراف معیار ۶.۳۸ و نهایتاً میانگین مشارکت سیاسی ۲۰.۴۳ و انحراف معیار آن ۶.۴۰ به دست آمده که بر این اساس میزان نمره بُعد مشارکت سیاسی افراد در حد متوسط به بالا است.

آزمون تحلیل عاملی تأییدی دینداری



Chi-Square=3.29, df=2, P-value=0.0003, RMSEA=0.000

نمودار ۱- نتایج بارهای عاملی استاندارد شده پیرامون شاخص دینداری



Chi-Square=3.29, df=2, P-value=0.0003, RMSEA=0.000

نمودار ۲- آماره‌های تی پیرامون شاخص‌های دینداری

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۲۰۱

جدول ۶- شاخص‌های برازندگی تحلیل عاملی تأییدی

مقدار	شاخص
۰/۰۴۵	ریشه میانگین مربعات خطای برآوردی ^۱ (RMSEA)
۰/۹۱	شاخص نیکویی برازش ^۲ (GFI)
۰/۹۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده ^۳ (AGFI)

- شاخص ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب برای مدل‌های خوب برابر با ۰/۰۵ یا کمتر است. مدل‌هایی که این شاخص آن‌ها ۰/۱ یا بیشتر باشد برازش ضعیفی دارند. برای این شاخص می‌توان فاصله اعتماد محاسبه نمود. ایده آل آن است که حد پایین فاصله اعتماد خیلی نزدیک به صفر باشد و حد بالایی آن خیلی بزرگ نباشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ریشه میانگین مربعات خطای برآوردی (RMSEA) این مدل ۰/۰۴۵ است که می‌توان گفت در وضعیت مناسبی قرار دارد.

- هرچه شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI) به یک نزدیک‌تر باشد مدل با داده‌ها برازش بهتری دارد. در مدل این دو شاخص به ترتیب برابرند با ۰/۹۴ و ۰/۹۰ که نشان‌دهنده برازش خوب مدل است.

آزمون فرضیه شماره ۱: بین میزان بُعد اعتقادی دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۷- آزمون پیرسون بُعد اعتقادی دینداری و میزان مشارکت سیاسی

-
1. Root Mean Square Error of Approximation
 2. Goodness-of-Fit Index(GFI)
 3. Adjusted Goodness-of-Fit Index(AGFI)

پیرسون	شدت همبستگی	سطح معناداری بین دو دامنه
بُعد اعتقادی- مشارکت سیاسی	۰/۶۹۸ (**)	۰/۰۰۰

آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۹ و با احتمال خطای ۰/۰۱ انجام شده است. با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰۰۰ می‌باشد و چون این عدد کوچک‌تر از ۰۰۵ است، پس بین دو متغیر بُعد اعتقادی دینداری و مشارکت سیاسی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۶۹۸ است همبستگی مستقیم و متوسطی بین دو متغیر اعتقادی دینداری و مشارکت سیاسی وجود دارد بر این اساس فرضیه ما تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۲: بین میزان بُعد مناسکی دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۸- آزمون پیرسون بُعد مناسکی دینداری و میزان مشارکت سیاسی

پیرسون	شدت همبستگی	سطح معناداری بین دو دامنه
بعد مناسکی- مشارکت سیاسی	۰/۷۸۳ (**)	۰/۰۰۰

آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۹ و با احتمال خطای ۰/۰۱ انجام شده است. با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰۰۰ می‌باشد و چون این عدد کوچک‌تر از ۰۰۵ است، پس بین دو متغیر بُعد اعتقادی دینداری و مشارکت سیاسی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۷۸۳ است همبستگی مستقیم و قوی بین دو

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۲۰۳

متغیر مناسبی دینداری و مشارکت سیاسی وجود دارد بر این اساس فرضیه ما تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۳: بین میزان بُعد پیامدی دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۹- آزمون پیرسون برای سنجش رابطه بُعد پیامدی دینداری و میزان مشارکت سیاسی

سطح معناداری بین دو دامنه	شدت همبستگی	پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۵۷۲ (**)	بُعد پیامدی- مشارکت سیاسی

آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۹ و با احتمال خطای ۰/۰۱ انجام شده است. با توجه به مقدار sig محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و چون این عدد کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، پس بین دو متغیر بعد اعتقادی دینداری و مشارکت سیاسی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۵۷۲ است همبستگی مستقیم و متوسطی بین دو متغیر پیامدی دینداری و مشارکت سیاسی وجود دارد بر این اساس فرضیه ما تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه شماره ۴: بین بُعد تجربی دینداری و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۱۰- آزمون پیرسون برای سنجش رابطه بین بعد تجربی دینداری و میزان مشارکت

سیاسی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت همبستگی	سطح معناداری دو دامنه
-------------	--------------	-------------	-----------------------

بعد تجربی دینداری	مشارکت سیاسی	۰/۶۹۳ (**)	۰/۰۰۰
-------------------	--------------	------------	-------

آزمون پیرسون بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۹ و با احتمال خطای ۰/۰۱ انجام شده است. با توجه به مقدار سطح معنی داری (sig) محاسبه شده دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ می باشد و با عنایت به این که این رقم کوچک تر از ۰/۰۵ است، پس بین دو متغیر بعد تجربی دینداری و مشارکت سیاسی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده که برابر با ۰/۶۹۳ است می توان گفت همبستگی مستقیم و قوی بین دو متغیر بعد تجربی دینداری و مشارکت سیاسی وجود دارد بر این اساس فرضیه تحقیق تأیید می شود.

جدول ۱۱- نتایج آزمون رگرسیون درباره تأثیر شاخص های دینداری (بعد اعتقادی،

پیامدی، تجربی، مناسکی) بر مشارکت سیاسی

روش ورود متغیرها همزمان	Method=inter
ضریب همبستگی چندگانه	۰/۴۹۶ (A)
ضریب تعیین	۰/۲۲۰
ضریب تعیین تعدیل یافته	۰/۲۱۰
خطای معیار	۰/۸۷۹۲۶
تحلیل واریانس	۲۳/۸۵
سطح معنی داری	۰/۰۰۰

جدول ۱۲- ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تأثیر شاخص های دینداری (بعد اعتقادی،

پیامدی، تجربی، مناسکی) بر مشارکت سیاسی

شاخص ها	B	SE	Beta	t	sig
مقدار ثابت	۱/۳۵۱	۰/۴۰۵		۳/۳۳۲	۰/۰۰۱
مناسکی	۰/۳۹۲	۰/۰۴۷	۰/۴۱۶	۸/۳۱۱	۰/۰۰۰

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۲۰۵

۰/۰۰۰	۵/۴۷۰	۰/۳۷۱	۰/۰۸۵	۰/۴۲۴	تجربی
۰/۰۰۴	۲/۹۰۳	۰/۱۴۲	۰/۰۶۵	۰/۱۸۹	اعتقادی
۰/۰۰۰	۴/۴۲۰	۰/۱۳۲	۰/۰۶۹	-۰/۰۹۸	پیامدی

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون بین این دو متغیر حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری $\text{sig}=۰/۰۰۰$ برابر با $R=۰/۴۶۹$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\text{sig}=۰/۰۵$ کوچک تر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود داریم، در نتیجه فرضیه صفر ما رد و فرضیه اصلی ما تأیید می شود. بنابراین نتیجه می گیریم که به ازای تغییر در یک واحد انحراف استاندارد بُعد اعتقادی دینداری، مناسبی، پیامدی و تجربی میزان مشارکت سیاسی به ترتیب به اندازه $۰/۰،۳۷۱/۱۳۲$ ، $۰/۰،۴۱۶/۱۴۲$ ، قابل پیش بینی می باشد.

نتیجه گیری

هدف از مقاله حاضر تبیین نظری و تجربی تأثیر دینداری بر مشارکت سیاسی بود. نتایج نشان داد که بین میزان پایبندی به اصول مذهبی بودن با مشارکت سیاسی در نمونه مورد بررسی ارتباط معنی داری وجود دارد. این نتیجه، با یافته های آلپور (۱۹۵۰)، و (۲۰۰۵) با و همکارانش (۱۹۹۵)، شوب (۱۹۹۷)، گرین برگ (۲۰۰۰) دوریز و همکارانش (۲۰۰۲) اونیل (۲۰۰۴)، آل. اپلی، هافمن و دود (۲۰۰۸)، امام جمعه زاده و همکارانش (۱۳۸۹) همسو است. نتایج تحقیقات یاد شده نشان داده است که افراد دارای جهت گیری مذهبی از نظر مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه ای در کنش سیاسی این افراد دارد و آنهایی که دارای عقاید و علاقه مذهبی بودند گرایش خاصی نسبت به عضویت در برخی از گروه های سیاسی و انجام مشارکت در امور سیاسی داشتند. به لحاظ نظری و با توجه به نظریه آلپورت می توان گفت دین عملاً به عنوان یک سیستم ارزشی به حرکت های انسان جهت داده، هدفمند نموده و به سوی اعتلای روانی، انسانی و تکامل رهنمون می سازد. به

عقیده آلپورت، مذهب به عنوان یک سیستم ارزشی باعث وحدت بخشیدن به حیات انسان می شود و به عنوان یک منبع یا عامل همبستگی اجتماعی عمل کرده و انسان دینی مسئول خود و محیط اجتماعی است و در برابر ارزش ها و ضد ارزش ها موظف انگاشته شده است. در حقیقت سیاست در دیدگاه دینی به معنای حضور و مکلف بودن در برابر رخدادها می باشد.

در تمام ابعاد رفتار انتخاباتی، بعد مناسکی پیش بینی کننده مهم تری است و ارتباط بیشتری با مؤلفه های رفتار انتخاباتی دارد، هر چند که بعد عاطفی نیز با تمام ابعاد رفتار انتخاباتی رابطه مثبتی دارد. نمرات بالای مقیاس مناسکی دینداری انعکاسی از تلاش فرد برای مثبت جلوه دادن خود از نظر اجتماعی است. به نظر می رسد که این افراد مستعد ایجاد نگرش های اجتماعی مسئولانه تر برای مشارکت سیاسی هستند در واقع می توان گفت که ابعاد مناسکی دینداری به عنوان پلی بین آگاهی و مشارکت عمل می کنند. زمانی می توان ادعا کرد که ابعاد دینی موجودیت واقعی یافته است که دینداری از حالت ذهنی و بالقوه به ابعاد عملی دینداری در قالب رفتارهای مشارکت جویانه تبدیل شود. با توجه به شرایط دینی نظام سیاسی موجود در کشور ایران، کسانی که به میزان بیشتری به ابعاد عبادی دین اهمیت قائل می شوند برای پابرجایی نظام سیاسی که دینی است، بیشتر در انتخابات و فعالیت های سیاسی دیگر شرکت می کنند و نتایج تحقیق نیز این استدلال را تأیید می کند.

با توجه به این که جامعه ایران یک جامعه دینی است افراد از همان سال های نخستین به طور رسمی و غیررسمی با آموزش های مذهبی روبرو می شوند و با اصول اعتقادات مذهبی آشنا هستند. از طرف دیگر اسلام نه تنها فرد را در مقابل خداوند مسئول و متعهد می داند بلکه او را در مقابل جامعه نیز مسئول می داند. افرادی که بیشتر پایبند به امور دینی باشند خود را موظف خواهند دانست که در فعالیت های سیاسی مشارکت داشته باشند. از نگاه دینی، فرد در مقابل خودش، خدایش، جامعه اش و... موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه باشد، فعال باشد و از

انحرافات حکومتی جلوگیری کنند. البته ناگفته پیداست که دینداری صرفاً یکی از عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی است و تغییر آن در جامعه به صورت یکباره و در یک محدوده زمانی کوتاه اتفاق نمی‌افتد، باین‌وجود دینداری پیش‌بینی‌کننده مهمی برای رفتارهای انتخاباتی و مشارکت سیاسی است. زیرا بر اساس آموزه‌های دینی بر مسلمین لازم است در تشکیل جامعه اسلامی و تثبیت و استقرار آن همت ورزند و یکی از شئون اجتماعی شدن دخالت در امور سیاسی و کسب استقلال و به دست آوردن عزت و سیادت اجتماعی است. از این نکات سمت‌وسوی مشارکت سیاسی و جهت اصلی آن در جامعه اسلامی روشن می‌شود.

الف) پیشنهادهای پژوهشی: به پژوهشگران علاقه‌مند در این زمینه پیشنهاد می‌شود:

- ۱- پیشنهاد می‌شود در مورد عوامل ساختاری کلان مؤثر بر مشارکت سیاسی تحقیق‌های جامعی انجام گیرد
- ۲- پیشنهاد می‌شود مطالعات طولی و بلندمدت در زمینه علل مشارکت سیاسی انجام پذیرد.
- ۳- پیشنهاد می‌شود میزان مشارکت سیاسی سایر گروه‌های سنی بررسی گردد.
- ۴- پیشنهاد می‌شود برای شناخت بیشتر و بهتر عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی در جامعه، تحقیقات تکمیلی در سایر استان‌ها و در سطح کشور انجام گیرد.
- ۵- پیشنهاد می‌شود مجموعه‌ای از اطلاعات جامع، قابل‌دسترس و روزآمد در خصوص مسائل جوانان ایجاد گردد. وجود یک بانک اطلاعاتی در مورد جوانان شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی، پژوهش‌ها و نشریات برای انجام مطالعات کارشناسی و تحقیق در مورد جوانان مقدمه‌ای لازم و ضروری است که متأسفانه جای خالی آن در میان بانک‌های اطلاعاتی کشور بسیار محسوس است. امید است که مسئولین و نهادهای برنامه‌ریز و سیاست‌گذار امور اطلاع‌رسانی با توجه

به ساخت جوان جمعیت کشور و اهمیت روزافزون این قشر در تحولات اجتماعی، نسبت به رفع این نقیصه اقدام کنند.

ب) پیشنهادهای کاربردی

- ۱- پیشنهاد می شود قوانینی تدوین شود که زمینه را برای احساس امنیت عضویت در سازمان های سیاسی تا زمانی که فعالیت قانونی می کنند، تضمین کند.
- ۲- پیشنهاد می شود صاحبان قدرت رسمی در جامعه هزینه های مشارکت سیاسی را کاهش و پاداش های اجتماعی آن را افزایش دهند.
- ۳- پیشنهاد می شود امنیت و آزادی برای فعالان سیاسی بیشتر فراهم شود تا سایرین تشویق به مشارکت سیاسی شوند.
- ۴- پیشنهاد می شود برای افزایش اطلاعات سیاسی مردم به خصوص جوانان و نوجوانان تدابیری اتخاذ شود تا حداقل اطلاعاتی که آنها را از وظایف، تعهدات و حقوق سیاسی و اجتماعی شان آگاه می سازد، برخوردار شوند.
- ۵- پیشنهاد می شود نوع نگرش مردم به فعالیت های سیاسی اصلاح گردد. زیرا تا زمانی که دنیای سیاست از دید مردم دنیای دورنگی، قدرت طلبی و دروغ قلمداد شود، از ورود به آن اکراه خواهند داشت.
- ۶- نحوه عملکرد رسانه های جمعی می تواند در میزان مشارکت سیاسی در جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می شود شرایطی فراهم گردد که میزان اطلاع رسانی سیاسی در رسانه های جمعی افزایش یابد. زیرا رسانه های جمعی می توانند بر افزایش میزان اطلاعات سیاسی مردم در جامعه، نوع نگرش آنها، افزایش میزان مشروعیت سیاسی نظام و... تأثیر بگذارند. همچنین تبلیغات سیاسی نباید فقط در تلویزیون متمرکز باشد، بلکه باید به سایر رسانه های جمعی از جمله کتب، مجلات و ... نیز تسری یابد.

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۲۰۹

۷- پیشنهاد می‌شود با آموزش و همچنین افزایش نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف و احترام به خواسته‌های مردم و عدم مقاومت مسئولان در برابر این خواسته‌ها، میزان اثربخشی مردم افزایش داده شود تا مطمئن شوند می‌توانند بر فراگرد تصمیم‌گیری‌های سیاسی اثر بگذارند.

۸- با توجه به ساخت خانواده‌ها در ایران از لحاظ توزیع قدرت و شیوه‌های تربیت فرزندان پیشنهاد می‌شود فرایند اجتماعی شدن دو جنس تغییر کند، تا زنان نیز مانند مردان بتوانند در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و... فعال باشند. همچنین نگرش سنتی خانواده‌ها نسبت به دختران اصلاح گردد. بنابراین والدین باید در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی از تبعیض جنسی بپرهیزند.

محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های ناشی از نظام اداری توأم با بوروکراسی شدید اداری، محدودیت امکانات و فقدان ابزار سنجش معتبر و بومی، کمبود زمان، پایین بودن اعتماد جوانان و مقاومت آنان در پاسخگویی به پرسش‌ها از جمله محدودیت‌های این تحقیق بودند.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۸۶)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اختر شهر، علی. (۱۳۸۶)، *مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۳)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه تا واقعیت*. چ ۴. تهران: نشر نی.

- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۶۹)، *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته*، ترجمه: مریم وتر. تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا. (۱۳۸۷)، *مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان*، ترجمه: مریم وتر. تهران: کویر.
- ایوبی، حجت‌الله. (۱۳۷۷)، *مشارکت سیاسی. مجموعه مقالات. مشارکت انتخاباتی علل و انگیزه‌ها* به کوشش علی‌اکبر علیخانی. تهران: سفیر.
- برگر، پیترا. (۱۳۸۰)، *افول سکولاریزم دین خیزشگر و سیاست جهانی*، ترجمه: افشار امیری. تهران: پنگان.
- بهمنی طراز، قدیر. (۱۳۷۹)، *عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پویا فر، محمدرضا. (۱۳۸۶)، *بررسی مقایسه‌ای سنجه‌های دینداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).
- حبیب زاده، رامین. (۱۳۸۴)، *بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- سید امامی، کاووس؛ افتخاری، اصغر و عبدالله، عبدالمطلب. (۱۳۸۵)، *ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان*، گزارش طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان.
- فیرحی، داود. (۱۳۷۷)، *مفهوم مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱ تابستان ۷۷.

بررسی رابطه بین ابعاد دینداری و مشارکت ... ۲۱۱

- گنجی، محمد. (۱۳۸۳)، تبیین وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه اصفهان، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه اصفهان.

- درزی، علی. (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخاب شده انتخابات ریاست جمهوری، *پایان نامه کارشناسی ارشد* دانشگاه تهران.

- راش، مایکل. (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: سمت.

- ربیعی، علی. (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶*، تهران: فرهنگ و اندیشه.

- لپست، مارتین و دوز، رابرت. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه: محمدحسین فرجاد، تهران: انتشارات توس.

- مهدی زاده، سید محمد. (۱۳۸۵). *رهیافتی انتقادی به فرهنگ و جامعه نو*، رسانه. شماره ۱.

- Alford, Robert R. (2007). "Class Voting in Anglo-American Systems". in Seymour Martin Lipset and Stein Rokkan (Eds). *Party Systems and Voter Alignments*. New York: The Free Press. PP. 67-93.
- Alford, Robert R. (2009). *Party and Society*. Westport, Conn: Greenwood Press.
- Bartle, John. (2010). "Left-Right Position Matters, but Does Social Class? Causal Models of the 1992 British General Election". *British Journal of Political Science*. 28, PP. 501-29.
- Beit hallahmi, Benjamin and Michael Argyle. (2015). *The Psychology of Religious behaviour, belief and experience*. Routledge.

- Busch, Beverly G. (2012). *Faith, Truth, and Tolerance: Religion and Political Tolerance in the United States*. dissertation for the Degree Doctor of Philosophy. University of Nebraska, Lincoln.
- Butler, David & Donald Stokes. (2012). *Political Change in Britain: Forces Shaping Electoral Choice*. New York: Macmillan.
- L. Epley, (2009). *Voices of the Faithful: An Introductory Look At Religion and Political Participation in Indonesia* , Paper Submitted for The Midwest Political Science Association (MPSA) National Annual Conference, University of Michigan.
<http://www-personal.umich.edu/~jepley>
- A. Supe, (2010). *Convectional Religion and Political Participation in Postwar Rural Japan* – Social Forces, Vol. 55, No. 3.
- M. Hoffman, & R. Dowd, (2008) *Religion Gender and Political Participation in Africa: Lessons From Nigeria*, Senegal and Uganda, (Department of Political Science, University of Notre Dame).
- O 'Neill, (2014). *Gender, Religion, Social Capital and Political Participation* ,Prepared for Delivery at the Annual Meeting of the American Political Science Association.